

## جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه شبحی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است

از آغاز ماه مارس، یک جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه، مستقل از تشکلات سنتی - احزاب و سندیکاها - به پا خاسته است. این جنبش رادیکال اجتماعی و سیاسی، که مناسبات حاکم بر کشور را نیز به زیر پرسش می برد، هم چنان و تا امروز با قوت و قاطعیت گسترش می یابد. میدان جمهوری در پاریس به اشغال جوانان در آمده است. تصرف میادین - به نام «شب ایستاده» Nuit debout - به شهرهای دیگر نیز سرایت کرده است. شبحی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است: شبح می ۶۸ و جنبش های میدانی جهان، از وال استریت تا سینتاگما، از پوئرتا دل سول تا تحریر. به پشتیبانی از این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه برخیزیم.

نیروهای اصلی، محرک و فعال این جنبش سراسری اجتماعی را جوانان، به ویژه در میان دانشجویان دانشگاه ها و محصلین مدارس و هم چنین در بخش هایی از کارگران، بیکاران، کارکنان، سندیکالیست ها، گروه های چپ رادیکال، فعالان انجمن های مدنی و دیگر اقشار مردمی در شهرهای مختلف فرانسه، تشکیل می دهند. جنبش، از اول ماه مارس، از دانشگاه Paris 8 که چهل و هشت سال پیش در پی جنبش می ۶۸، چون مکانی برای «آموزش - مبارزه» تأسیس گردید، آغاز می شود. به سرعت، دانشجویان دیگر دانشگاه های کشور و محصلین مدارس نیز دست به اعتصاب و اشغال مراکز خود می زنند.

عامل اولیه برانگیزنده ی این جنبش، طرح قانون کاری است که دولت به اصطلاح سوسیالیستی فرانسه می خواهد به تصویب مجلس ملی این کشور برساند. فلسفه ی اصلی این طرح، که به خواست ها و مطالبات دیرینه ی کارفرمایان و سرمایه داران فرانسه پاسخ مثبت می دهد، عبارت است از:

- ۱- کاهش حقوق و اختیارات سندیکاها و زحمتکشان در دفاع از منافع خود از یکسو و افزایش قدرت و اختیارات صاحبان کار در مؤسسات خصوصی، از کوچک تا بزرگ، با کنار گذاردن سندیکاها از سوی دیگر.
- ۲- محو پاره ای از حقوق اجتماعی مزد بگیران که طی سالیان دراز از طریق مبارزات اجتماعی خود به دست آورده اند.

۳- باز گذاشتن دست کارفرمایان برای تحمیل کار بیشتر و حقوق کمتر؛ برای اخراج کارگران و بالابردن ساعات کار؛ برای برهم زدن نظم زمانی کارهای نیمه وقت که بیشتر از همه به زیان کارگران زن تمام می شود؛ برای پرداختن جریمه کمتر در نتیجه اخراج های اقتصادی و غیره.

بدین ترتیب، در صورتی که این قانون کار به اجرا درآید، بی ثباتی شغلی، مشاغل کوتاه مدت، شب کاری و در نتیجه، بر خلاف ادعای طرفداران قانون، بی کاری، که امروزه سه میلیونی و نیم نفر را در بر می گیرد (افزون بر دو میلیون نفری که به کارهای ناپایدار اشتغال دارند)، باز هم رو به افزایش خواهند رفت.

در راستای سیاست های نئولیبرالی رایج امروزی در همه ی کشورهای سرمایه داری، طرح جدید، در یک کلام، در پی تغییری بزرگ در مناسبات حقوقی کار و سرمایه به منظور برداشتن موانع قانونی بر سر راه صاحبان کار و به طور کلی طبقه سرمایه دار است. تنظیم یک سرمایه داری نئولیبرالی فعال مایشاً، عمده ترین اگر نه تنها هدفی است که به واقع، اما زیر لفافه ایدئولوژیکی «آزاد کردن روابط کار برای حل بحران بیکاری»، طرح قانون کار جدید می خواهد به اجرا درآورد.

اما سه خواست اصلی کنونی جنبش که در مجمع عمومی هماهنگی ملی دانشجویان، در دوم و سوم آوریل در شهر Rennes، به نمایندگی از هفتاد دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی فرانسه، اعلام گردید عبارت اند از:

- ۱- انصراف بدون قید و شرط و بدون مذاکره دولت از طرح قانون کار و پس گرفتن کامل آن.
- ۲- تقسیم و تقلیل زمان کار.
- ۳- توقف فوری سرکوب و پیگردهای پلیسی و ختم بلافاصله وضعیت اضطراری در فرانسه.

نیروهای فعال جنبش اما اکنون فرا تر از خواست های فوق می روند. آن ها مناسبات سرمایه داری حاکم یعنی سیستمی را زیر پرسش می برند که امروزه جامعه ی فرانسه را به ورطه ی هولناکی از نظر رشد بی عدالتی ها و نابرابری ها فرو برده است. آن ها خواهان ابداع دموکراسی مستقیم و اشکال نوینی از خود-مدیریتی، در گسست از روابط اسارت بار کنونی، هستند؛ در مشارکت و مداخله همه برای اداره ی امور خود؛ در دگرگون ساختن مناسبات خود با سیاست، فرهنگ، بهداشت، دانش، کار، فراغت و غیره که همگی امروزه سراسر تحت سلطه و هدایت عامل سود و رقابت برای سود بیشتر قرار گرفته اند؛ در خلق یک «زندگی با هم» دیگر و نوین، یعنی با «دیگری»: از ملیت دیگر، از جنسیت دیگر، از رنگ دیگر، از فرهنگ دیگر، از...

در ۲۱ مارس گذشته، در پی چندین راه پیمایی متعدد خیابانی در طول ماه، تظاهرات بزرگی (بیش از یک میلیون نفر) در اغلب شهرهای فرانسه برگزار می شوند. در بسیاری از دانشگاه ها و مدارس، اعتصاب، بایکوت فعال، اشغال مکان با حضور دانشجویان انجام می پذیرند. مجمع های عمومی در بسیاری از دانشگاه ها به طور منظم چند بار در هفته برای سازماندهی اعتصاب و تظاهرات و دیگر فعالیت های تبلیغی تشکیل می شوند.

گروه های کار و کارگاه ها برای بررسی و نقد طرح قانون کار و به طور کلی مناسبات کار و سرمایه و هم چنین مناسبات دانش و دانشگاه با کار تشکل می شوند. بسیاری از دانشجویان فرانسوی امروزه ناگزیر دست به کارهای نیمه وقت برای امرار معاش خود می زنند. در نتیجه طرح قانون کار با سرنوشت آن ها نیز بازی می کند. در نتیجه، این طرح شریانه مسئله ی آن ها نیز هست، به همان سان که مسئله ی کارگران، کارکنان مشاغل موقت و ناپایدار، بیکاران و غیره نیز هست. دانشجویان امروزی، بیش از پیش، با دنیای کار و زحمت به طور مستقیم سر و کار پیدا می کنند، نه در فردای پایان تحصیل بلکه از آغاز زندگی دانشجویی خود.

گروه های ملاقات و گفت و گو با دنیای خارج از دانشگاه برای آمیزش مبارزات دانشجویی و کارگری و مردمی تشکیل می شوند: با کارگران بخش دولتی و خصوصی ( کارگران راه آهن، مترو، کارگران اعتصابی و غیره) با کارکنان بیمارستان ها، با جوانان حومه، با مردم کوچه و بازار در روز یکشنبه، با پناهندگان...

اشغال میدان جمهوری پاریس توسط جوانان از اول آوریل هم راه با برنامه های فرهنگی، هنری، سخنرانی، اظهار نظر مردم حاضر، نمایش فیلم های اجتماعی و مبارزاتی، موسیقی و رقص و پاکوبی، میتینگ و... صورت می پذیرد. بحث در باره ی تجربه جنبش می ۶۸ فرانسه و تجارب جنبش های میدانی سال های گذشته چون جنبش خشم اسپانیا و سازمان پودموس، جنبش سیریزا در یونان و مطالعه ی نظریه پردازان این گونه جنبش های اجتماعی سیاسی در گسست از سیستم های فکری و مبارزاتی سنتی گذشته، جزو بحث ها و سخنرانی ها قرار گرفته اند. جنبش اشغال میادین با نام «شب ایستاده» Nuit debout به دیگر شهرهای فرانسه سرایت کرده است.

بخشی از سندیکاها کارگری فرانسه راه مذاکره با دولت برای تصحیح طرح قانون کار را در پیش گرفته اند. آن ها، بدین سان، در عمل از جنبشی که خواهان پس گرفتن این طرح «بدون مذاکره و قید و شرط» می باشد، حمایت نمی کنند. بخشی دیگر اما با این که از این جنبش و خواست آن پشتیبانی می کنند و در راه پیمایی ها نیز شرکت دارند، اما تا کنون از دست زدن به اعتصاب عمومی پرهیز می کنند. با وجود آمادگی نیروهای به تنگ آمده در پایه های کارگری برای دست زدن به اعتصابات گسترده، رهبری و بوروکراسی سندیکاها به طور کلی از اعلام «اعتصاب عمومی، سراسری و تجدید پذیر» که خواست بخش رادیکال جنبش کنونی است خود داری می ورزند.

جنبش اجتماعی فرانسه با اشغال میادین می تواند رشد و گسترش پیدا کرده سرآغاز جنبشی عظیم شود: هم در رادیکالیته و هم در کمیت و کیفیت. چنین روندی، به رغم حاکمیت شرایط ذهنی نامساعد بر کشور یعنی رشد راست گرایی، محافظه کاری، افکار راسیستی، فاشیستی، پوپولیستی، ضدخارجی و پناهنده... در ذهنیت ها، غیر ممکن نیست. شبیحی این روزها در فرانسه در گشت و گذار است: شبیح می ۶۸ و جنبش های میدانی در جهان، از وال استریت تا سینتاگما، از پوئرتا دل سول تا تحریر، با این که می دانیم فرانسه اسپانیا، یونان و یا مصر نیست.

بر روی دیوار یکی از کلاس های فلسفه دانشگاه پاریس ۸ (کلاس A028)، که از روز اول اعتصاب به قرارگاه اعتصابیون درآمده است، دانشجویان با رنگ سرخ نوشته اند : « **امکان ناپذیر ممکن شده است** ». تحقق پذیری این شعار دیواری، رشد و گسترش این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه و یا توقف و پایان آن (به ویژه با فرارسیدن ایام تعطیلات دانشگاهی) پرسشی است که نمی توان از هم اکنون به آن پاسخ داد. اما در عین حال هیچ **رخدادی** بزرگ در تاریخ بشر از پیش قابل پیش بینی نبوده است زیرا که در این صورت «رخداد» نخواهد بود. سرنوشت روند این جنبش در درجه ی اول بستگی دارد به اراده ی راسخ خودِ فعالان جنبش و سیاست های مناسب آن ها در جلب دیگر اقشار اجتماعی و بویژه کارگران و زحمتکشان. وارد شدن اینان در یک اعتصاب عمومی و سراسری می تواند نقش تعیین کننده ای در پس نشانیدن حکومت و حتا فرا تر از آن... ایفا کند . با این که جنبش کنونی هنوز اقلیتی از جامعه را تشکیل می دهد اما آن چه که بیان می کند و می خواهد، خواست و احساس بسیاری است. این که این «بسیاری» چگونه وارد میدان شود و به طور مستقیم و خودمختار، خود برای رهایی خود، عمل نماید... این است مسئله !

نیروهای چپ رهایی خواه جهان، وظیفه دارند که از این جنبش بزرگ اجتماعی در فرانسه در هر کجا که هستند حمایت کنند. به طور مستقیم در آن شرکت کنند و یا، در کشورهای خود، خواست ها و ابتکارهای این جنبش را مطرح سازند.

چپ رهایی خواه ایران وظیفه دارد که از این جنبش بزرگ اجتماعی پشتیبانی کند. مبارزه ای که جوانان فرانسوی امروز برای رهایی جامعه ی خود از زیر سلطه ی سرمایه و دولت انجام می دهند، در عین حال مبارزه ی ما نیز هست، مبارزه ای که در ایران تنها از راه پایان دادن به جمهوری اسلامی و سلطه ی استبداد و دین می گذرد.